

اگر براستی ایرانی و آزاد اندیش هستی این نوشتار را چندبار و با دقت بخوانید

آیا فرعون مصری فرستاده الله بوده است و یا محمد تازی ؟

تا کنون بسیاری از سفسطه سازان اسلامی به خاطر منافی که از آئین تازی به جیبهایشان فرو رفته و می رود کوشیده اند تا متون و بیهوده سخنان این مرام بیابانی را ، منطقی و در خور باز گشائی های برهنه از جامه راستی به خورد پیروان نادان و فریب پذیر خود بدهند ، اما بی اینکه راه گریزی بر پذیرش دانش و آگاهی های راستین باشد ، امروز پس از یک هزار و چهارصد سال پیراهن ریا دریده شده و دانش توانسته است اهریمن و دروغ پرداز بد کردار را در دادگاه آگاهی و خرد به پرسش و جستجو بنشانند و روشنائی را از بازار مکاره تاریکی و بی خردی بیرون بیاورد ، برای نمونه یکی از هزاران نموداری را که میتوان به اسانی در برابر دیدگان نا آگاهان و بریب خوردگان نشانید و از آنان خواست تا یک بار و تنها یک بار جنگ افزار خرد ستیزی را کنار بگذارند و با اندیشه آدمی به آنچه در این نوشتار آمده است به ان نوشتار بنگرند ، کاوشگر آنچه در این نوشتار می آید ، نه کافر زاده نی دین ستیز و نه اهریمنی دشمن اهورا و آفریننده است بلکه مردی از تبار یک خاندان ایرانی به زنجیر اسلام کشیده شده ام که خرد آدمی مرا به جستجوی ژرف پیرامون آئین تازی و مسلمانی نموده است و اگر سخنی پیرامون این مرام مینویسم و میگویم و آنرا کشتار گر ، آدمیت ستیز و برخوردار از همه اندیشه های اهریمنی و دیو خوئی میدانم هیچ چیز بجز خرد و نوشتار های خود تازیان و تازی نامه انگیزه این دلآوری نشده است که پس از ۱۴۰۰ سال و برای نخستین بار برگ و واژه به واژه خود تازی نامه و یا قرآن را به دادگاه اندیشه فرا بخوانم و بر روی میز خرد و آدمیت که جای او نیست بنشانم و به فرزندان مرز و بوم که چهارده سده فریب این اهریمن کشتار گر و بی مایه را خورده اند بگویم شما اگر روز را پذیرا هستید با وجود آفتاب و شام را از درخشش ستارگان شناسانی می کنید و جای هیچ گونه تردید نیست که برای پذیرش و یا نه پذیرفتن هر چه در آفرینش وجود دارد باید انگیزه هائی نیر وجود داشته باشد که برخی از این انگیزه ها نمایان و برخی پنهان هستند تا زمانی که دانش پیشرفته تر بشود و آن انگیزه های پنهان مانده را آشکار نماید و آن گره بسته را بگشاید ، یکی از سهمگین ترین پدیده های آفرینش که با خون و خشونت و کشتار و چپاول پای به گیتی نهاد و از بسیاری سنگدلی و پیچیدگی سخنان این کودک بدخیم هیچ کس را یارای پرسجو و جستجو در باره آن نبود دین تازی یا همین اسلام ناب محمدی میباشد ، که نگرشی ژرف بر گاهنامه آفرینش به ما می آموزد محمد در آن هیچ نقشریشه نی نداشته و بد خیمی یک شاهزاده جاه جوی و ماجرا ساز ایرانی که در هر دیار خود را به نامی ، به دیگران شناسانی میداد و برای سرنگونی خاندان ساسانی به دست آورده تاج شاهنشاهی ایران می کوشید ، این مرام خشن و افسار گشسته و آدمیت کش را ساخت و پرداخت و در میهن شکست خورده ما رهاش کرد تا پس از سالیان سودجویان دورنگ و آدمیت ستیزی به نام ملا سنگ این مرام کشتار گر را به سینه بزنند و جایگاه مغان و برخی موبدان گز اندیش را در روزگاران نوین بگیرند .

نگریش آدمی گون و دلسوزانه بر این نوشتار ، ملا و فریب خورده ملایان را نه تنها به اندیشه خواهد افکند ، بلکه این نوشتار سندی است که تاکنون در درازای این ۱۴ سده که از پیدایش اسلام می گذرد ، یا کوششی برای دست یافتن به آن نشده و یا جرأتی برای کنکاش و جستجو در این پیرامون نبوده است . این فرزند کوچک ایران بر خود بایستنی دانستم تا اینگونه نمودار ها را که بازگو کننده بیهودگی بی چون و چرای اسلام و نسک {کتاب} این مرام کشتار گر است با همه جان و روان به هم میهنانم که فریب الله خشن و بی بخشش و مهر تازی را خورده اند و این هیولای بی مهر و گذشت را واژگونه خدای مهربان و بخشاینده شناخته اند ، گزارشگرانه بیان نمایم . نخست این پرسش را رویاروی همه خوانندگان گرامی این نوشتار و بالا تر از همه ، رویاروی آدمیت و اندیشه و خرد آدمی میگذارم .

آیا از دیدگاه اسلام فرعون آدمی زاده نی نیکو کار و یا کشتار گری اهریمن گون و دیو وش و نیکی ستیر بوده است ؟ جای سخن نیست که فرعون آنچه آنچنان که در خود تازی نامه و دیگر نسکهای دینی آمده است یکی از پلید ترین ، خود خواه ترین و آدمیت ستیز ترین کسانی بوده که همگان او را یک نمودار بی کم و کاست از سنگدلی و کشتار گری و بد کرداری شناخته اند و هر کجا بخواهند یک نمونه بی همانند از خود خواهی و بدکیشی و اهریمن خوئی را به دیگران بنمایانند سخن از فرعون به میان می آورند .. فرعون آئین ها و روش هائی دارد که بسیار زشت و درخور نکوهش و برای آدمیت زبان بار است ، فرعون دژخیم و کشتارگر است ، فرعون همه دیو وشی ها و آدمیت ستیزی ها را یکجا و با همه بلندی و پستی هایش به همراه خود دارد ، فرعون دیو است ، بد کردار است ، خون آشام است ، خدا ستیز است و فرعون به آن اندازه آمیخته با زشتی های زندگی میباشد که سخن گفتن از بدیهایش در سد ها کتاب نمی گنجد ، این همان چیزی است که در تازی نامه نیز آشکارا آمده است .

اما اکنون از پیروان مرام کشتار گر تازی و فریب خوردگان تاریخ می‌خواهیم تا با نگرش بر آنچه که در این نوشتار خواهد آمد ، به فرهنگ و خرد پیش رفته جهانی پاسخ بگویند و به درستی بر این بیاندیشند که چگونه و چه میشود که این فرعون زشت خو و بد خیم و خداوندگار اندیشه های اهریمنی که تازی نامه آنجان او را آماج تیر زهر آگین سرزنش های خود میکند ، ناگهان برای محمد تازی و سرپرست فرهنگی او ، مایا و یا ناجا و یا بود و یا بهبود و یا روزبه و یا برزویه و یا خشنودان و یا پسر بخشودان و یا سلمان فارسی ، در نمای گرامی ترین پدیده آنین نامه نگاری (قانون گزاری) آشکار می شود ، تا آنجا که زشت ترین روش آدم کشانه فرعون را به نام يك روش شهرداری و اداره سرزمین اسلامی و مردم مسلمان در تازی نامه ارائه می دهند و خیره سرانه نام روش الله و یا الهی بر آن می گذارند ؟

در بندهای زیرین این بخشنامه و یا نمایشنامه سیاسی رویدادها این چنین بیان شده اند:

بخشنامه سیاسی الاعراف (سوره الاعراف)	
بند (آیه)	بازگشایی از تازی نامه
۱۱۹	سُرَانِجَام (ساحران) شَكْسَت خورَدندوسرافکنده بازگشتند
۱۲۰	و جادوگران سرسجده فرو آورد(در برابر موسی)
۱۲۱	گفتند ما به سازنده(تربیت کننده) هر دو جهان ایمان آوردیم
۱۲۲	خدای موسی و هارون
۱۲۳	مغزه این پرسش فرعون این چنین است: فرعون گفت آیا پیش از اینکه من به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید (سخنان موسی را باور داشتید) ؟ برآستی که این يك نیرنگ است که شما در شهر پی ریزی کرده اید تا مردم شهر را از آن بیرون ببرید، پس به زودی خواهید فهمید (بشما نشان میدهم ، او در اینجا برای موسی و پیوستگانش خط و نشان سهمگینی می کشد و آنها را میترساند) فرعون در اینجا با به رخ کشیدن یکی از روشهای سیاسی و یا آنین های اداری (قانون) زمان خود ، که خود او نیز آنین گذار ، پایه گذار و سازنده این آنین نامه آدمیت ستیز بوده است بهره می گیرد و دگر اندیشان خود را از این روش اداری که برای شکنجه و نابودی ناباوران و ناپذیرندگان خود بکار می برده است همگان را می ترساند و آنان را به مرگی دشوار که روش اداری و آنین سرزمین گردانی آن مرد آدمیت ستیز بوده است بیمناک می کند و روش و آنین (قانون) درنده خویانه زیرین فرعون را به رخ آنان می کشد
۱۲۴	مغزه این سخن تازی این چنین است: من دست و پای همه شما را از پش می برم (از پشت قطع میکنم) و پس از آن به صلیبتان می کشم

این روش و یا آنین نامه فرعون (قانون فرعون) که ساخته اندیشه فرعون و کارگذاران سرزمین فرعون مصر باستان میباشد ، در بخشهای دیگری از تازی نامه نیز آمده است که فرعون بودن این بند از آنین نامه های دادستیزانه و آدم کشانه و زیر پای گذاردن خواستهای راستین مردم را به آدمیت و فرهنگ آدمی می نمایاند ، و پس از گذشت نزدیک به ۲۳۰۰ سال از روزگاران فرعون دیده می شود که همین آنین (قانون) آمیخته با خشونت های آدم ستیزانه بیشتری ، تبدیل به يك قانون تازی و محمدی می شود . در این جا فرعون یکی از زشت ترین شیوه های برخورد با دگر اندیشان و نا باوران خود را درنده خویانه در

برابر دیدگان هم زمانهای خود و همه مردمان روزگاران در راه و نا آمدگان می گذارد ، آئینی سرچشمه گرفته از اندیشه نی به راستی درنده خویانه که میتوان این اندیشه را بیشتر به خوی جانوران پیوند داد و نه اندیشه نی است که آدمی آن را به خود و یا خدای خود و یا رهبران خود پیوند دهد ، و فرعون ستم گستر این آئین و یاروش نا آدمی را برای بیم دادن و ترسانیدن و سرانجام کشتن و دست و پا بریدن کسانی که او را باور نداشته اند به کار می برده است .

پس از بخشنامه سیاتس و یا سوره الاعراف ، باز هم يك نمایش نامه هم گون و اینچینی دیگر را در تازی نامه می یابیم که در پایان آن پرده از نمایش نیز فرعون دوباره در برابر موسی و برادرش هارون و پیروان و یاران همراه شده موسی و دگر اندیشانش ایستاده و همچنان با موسی در گیر است و همین آئین نامه (قانون) درنده خویانه و آدمیت ستیز را برای نابودی موسی و باورداران او به رخ می کشد و بازگویی می کند .

واکنون بیانید تا نگرشی داشته باشیم به بخش دیگر این نمایش که بیگمان اندیشه نی اهریمنی ویک تراژدی بزرگ آدمیت ستیزانه به شمار می رود و فرعون باز هم در این پرده از نمایش ، همان آئین نامه ستمگرانه خود را در بخشنامه سیاسی و یا به گفته ساده دلان در سوره طه دو باره گویی میکند . اکنون بنگریم به سوره طه و تکرار ماجرای ستیز با آدمیت از راه به بازی گرفتن باور های ساده دلان نا آگاه .

خداوند و یا آنکه با نگرش ژرف به تاریخ خواهیم دانست و همگان آگاه نیز میدانند که او سازنده و همواره اندرز گوی محمد تازی بود و شامگاهان و بامدادان در کنار محمد تازی به او آموزش سیاسی میداد (سلمان فارسی) ، در این بخش از نمایشنامه طه و در پرده میانی این نمایشنامه کمدی هنگام برخورد موسی و فرعون نیز به محمد می آموزد تا رویداد درگیری آنان را به اینگونه دو باره گویی نماید (این مرد که به راستی خداوند و یا الله و راهنمای بی چون و چرا و سازنده محمد تازی بشمار می رود کسی بجز مایا و یا ناجا و یا روزبه و یا برزویه و یا بود و یا بهبود و یا خشنودان و یا این بخشودان و یا ابن ماهان که تازیان او را سلمان فارسی نامیده اند نیست) .

بخشنامه سیاسی طه (سوره طه)		
بند (آیه)	بازگشایی از تازی نامه	
۶۹	وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى	و بیافکن (بیانداز) آنچه در دست راستت داری ، آنچه را که آنها ساخته اند می بلعد و نیرنگ جادوگر برنده و یا رستگار نمی شود از هر کجا که آمده باشد
۷۰	فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجْدًا قَالُوا أَمَّا رَبُّ هَارُونَ وَمُوسَى	بس جادوگران فروتنانه سر سجده فرود آوردند و گفتند به خدای هارون و موسی ایمان آوردیم
۷۱	قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آتَنَّاكُمْ؟ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَسْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيُنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَأَبْقَى	فرعون گفت آیا پیش از اینکه من اجازه دهم به ا و ایمان آوردید؟ بی گمان او همان بزرگ شماست (موسی) که به شما جادوگری را آموخته من دست و پای همه ی شما را از پشت می برم (قطع می کنم) و پس از آن بر روی تنه درخت خرما به صلیبتان می کشیم تا بدانید که کدام يك از ما شکنجه سخت تری داریم و پایدار (جاودانه)تریم

آشکارا و بی اینکه هیچ راه گریز و انکاری برای فریب خوردگان اسلام آورده پیدا شود ، دیده و روشن و بیرون از مرز انکار می شود که در بخشنامه سیاسی طه نیز راه بر هرگونه دو دلی بر روی باور داران فریب خورده تازی نامه بسته شده و بگونه نی درخشنده نمایان می گردد که آئین و روش دست و پای نا باوران و دگر اندیشان را بریدن از روش های (قوانین) فرعون و فرعونیان بوده است و هیچ جانی برای گفتگو و سفسطه برای پیروان تازی نامه در این پیرامون وجود ندارد .

افزون بر این دو بخش نمایشنامه که در الاعراف و طه آمده ، يك نمایش پایانی دیگر نیز در بخشنامه سیاسی الشعرا (سوره شعرا) یافت میشود که برای فریب خوردگان تازی نامه (قرآن) همه چیز را آشکارا و

الماس گون روشن مینماید اکنون بیانید با دیدگان باز ، آدمی وشانه و برهنه از خودخواهی و فرهنگ ستیزی سر ی به نمایشنامه الشعرا بزیم که در بندهایش (آیه هایش) اینچنین آمده است .

بخشنامه سیاسی الشعرا (سوره الشعرا)	
بند (آیه)	بازگشائی از تازی نامه
۴۶	فَالْقِيَّ السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ پس جادوگران سر سجده و تعظیم فرود آوردند
۴۷	قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ گفتند ما به خدای هر دو جهان ایمان آوردیم
۴۸	رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ خدای موسی و هارون
۴۹	قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آتَنَّا لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ فرعون گفت آیا پیش از اینکه من بشما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ (به خدا) بی گمان او (موسی) همان بزرگ شماست که به شما جادوگری را آموخته است. من به زودی دست و پای همه شما را از پشت می برم (قطع می کنم) و به صلیبتان می کشم

بر رس ایرانی این بخشها از تازی نامه ویا بگفته فریب خوردگان قرآن مجید ویا قرآن کریم که کرامت و مهربانی الهی را در بریدن دست و پای دگر اندیشان می جویند ، با ارانه و به نمایش گذاردن این سه بخش بسیار روشن از تازی نامه دیگر جانی برای دودلی هیچ بی خردراستی ستیزی برجای نمی گذارد و باید پذیرا شد که قانون بریدن دست و پای دگر اندیشان و ناباوران (محالفین و یا بزبان تازی کافران) يك روش و آئین نکوهیده فرعونى و بازمانده از روزگاران آن دیو بد سرشت و آدمیت ستیزی می باشد .

محمد تازی ویا استاد و آموزگارش سلمان فارسی در سرتاسر تازی نامه فرعون را به همین انگیزه که دست و پای یهودیان و ناباوران خود را می بریده است سرزنش و نکوهش کرده اند و فرعون را مردی آدمیت ستیز و بد کردار خوانده اند و در افسانه غرق شدن فرعون در رود نیل نیز از به کیفر رسیدن آن دژحیم بسیار شادمان شده اند ، زیرا که فرعون دگر اندیشان (محالفین) و ناباوران خود را به صلیب میکشید و دست و پای آنها را به موجب بند های بالا از پشت می برید ، و باید پذیرفت که برآستی نکوهیده و اهریمنی است که به هر نام و زیر هرگونه شعاری انسان ناباوران (محالفین) خود را به صلیب بکشد و دست و پای آنان را از پشت ببرد (قطع کند) . اما ناگهان الله تازی ویا سلمان فارسی آموزگار پیر و فراموشکار محمد ، از یاد می برد و فراموش می کند که به صلیب کشیدن و دست و پا بریدن دگر اندیشان ، آئین و روشی (قانون) فرعونى بوده و از سوی الله فراموشکار ویا خود آنان سرزنش شده و کاری است به راستی نکوهیده که تنها از دست آدمکشان اهریمن وش و دژخیمان آدمیت ستیز بر می آید و به انگیزه این فراموشی ابلهانه محمد و آموزگار پیرش سلمان فارسی ، دیده میشود که در بخشنامه سیاسی المانده ، این آئین (قانون) دژخیمان فرعونى که خود محمدیان آن را به سختی سرزنش می کنند ، با افزودن خشونت ها و بند های کشتار گرانه تری بر آن ، به عنوان آئین و روشی (قانونی) الهی و اسلامی برای سرکوبی دگر اندیشان و ناباوران به اسلام ، زیر نام سخنی ازسوی آفریننده آورده و بیان می شود ، واز آنجا که آن را الهی میخوانند روش ویا قانون کشور مداری محمد که خود را فرستاده الله می نامد و پیروان آن مرد تازی خشن وکشتار گر می شود ، و با همه خشونت و آدمیت ستیزی که در این بند از آئین بربری فرعونى محمدی پیدا می شود ، نام و عنوان سوره و آیه و یا آئینی (قانونی) الهی نیز بر آن می گذارند تا بتوانند برای سرکوبی دگر اندیشان وناباوران این آئین بربری و کشتار گروبریدن نفسهای گویندگان راستی ها ، از آن بهره گیرند و به گفته خود آن شیادان و پیروانشان روشی اهریمنی و فرعونى که در گذشته های دور با زشتی و خیرگی از فرعون مصری سر میزد و فریاد ننگ بر فرعون درنده خو وکشتار گر را در جهان بلند می نمود ، سرانجام به انگیزه فراموش کاری پیر مرد دژخیم ، یا الله دروغین تازی (سلمان فارسی) همان روش (قانون) آدمیت ستیزفرعونى از آستین نیرنگ و بد دلی آن پتیاره پیر و جاه جوی وسازنده اسلام جنگ و خون و دیه باج بیرون آورده می شود ، و به نام قانونی الهی و آسمانی که از سوی آفریننده جهان فرود آمده است ، برای بسته شدن دهان های ناباور و گسترش این آئینی اهریمنی و کشتار گراز این آئین (قانون) بهره گیری می شود .

در سوره های الاعراف و طه و الشعرا سه بار درگیری موسی و فرعون را بررسی کردیم و دیده شد که فرعون ناباوران و دگر اندیشان خود را به صلیب کشیدن و بریدن دست و پایشان از پشت سر بیمناک نمود

اکنون نگاهی ژرف و بینشمندانه به بخشنامه سیاسی المائده ، بند آن می افکنیم تا بدانیم محمد تازی و سرپرستش سلمان انیران چگونه با افزایش دادن بر این بند از کيفردهی جاتور خویانه ، این بند در خورنفرین و دشنام فرعونی را به آئینی اسلامی و محمدی بازگردان نموده اند .

بخشنامه سیاسی المائده (سوره المائده)	
بند (آیه)	بازگشائی از تازی نامه
۳۳	به راستی که پاداش آنان که با خدا و پیام آورش پیکار می کنند (می جنگند) و در زمین کوشش بد کارانه می نمایند ، این است که کشته شوند و یا به صلیب کشیده شوند یا دستها و پاهایشان از پشت بریده شوند و یا از زمین نیست و نابود گردند این کيفرها برای آنان (برای چنین کسان) خواری و پاداشی در این جهان بشمار می آیند و در آن جهان نیز برایشان شکنجه بزرگ تدارک دیده شده است

این است همان آئین ویا قانون محمدی که نزدیک به ۲۳۰۰ سال پیش از پیدایش محمد تازی با دست ستمگستری سنگین دل بنام فرعون در سرزمین آفتاب همیشه درخشان مصر برای بیمناک ساختن و فرمانبردار نگهداشتن مردم آن دیار از آن بهره گیری می شد و در چهارده سده و اندی پیش از این ، يك شاهزاده شورشی و جاه جوی ایرانی بنام های مایا ویا ناجا و یا روزبه ویا برزویه ویا بود ویا بهبود ویا خشنودان ویا این بخشودان و یا ابن ماهان که تازیان اورا سلمان الفارسی می خوانند ، برای دست یافتن به امپراتوری گسترده نیاکانیش ایران زمین ، دست به ساختن دینی کشتار گرد زد و شاگرد بی سواد و نادان خود را به نام پیام آوری از سوی الله به تازیان شناسانید و سرانجام با گرد آوری و بکارگرفتن آئین هائی بسیار خشن و کشتارگرانه توانست اندیشه نی اهریمنی و خونریزانه را ، بنام دینی الهی و سرشار از مهر ودوستی در باور مردم گرسنه و بیسواد سرزمینهای تازیستان (عربی) بگنجانند و از آن پس با سپاهیانی خون ریز و نه تنها جنگجو که سپاهیانی مرگ جو به سرزمین نیاکانی ما یورش آورد و آن نمود که امروز اندیشه تاریخ با یاد آوری آن کشتار گری هاو چپاول های برهنه از پیراهای آدمیت از خویشتن شرمگین و سرافکنده است .

يك بار دیگر بخش هائی از چهار سوره ویا بخشنامه سیاسی تازی نامه را پشت سر هم برای شما بازگو مینمایم تا با نگزشی ژرف بر این سوره ها و آیه ها دریابیم که محمد کشتارگر و ستمگستر بوده است ویا فرعون ، بدکاره نی دژخیم ؟

بند (آیه)	بازگشائی از تازی نامه
صحنه نخست از نمایشنامه ویا بخشنامه سیاسی الاعراف (سوره الاعراف) درگیری فرعون و موسی و قانون فرعونی	
۱۱۹	سرانجام (ساحران) شکست خوردند و سرافکنده بازگشتند
۱۲۰	و جادوگران سرسجده فرو آورد(در برابر موسی)

گفتند ما به سازنده (تربیت کننده) هر دو جهان ایمان آوردیم	۱۲۱	قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ
خدای موسی و هارون	۱۲۲	رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ
مغزه این پرسش فرعون این چنین است: فرعون گفت آیا پیش از اینکه من به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید (سخنان موسی را پاور داشتید)؟ برآستی که این يك نیرنگ است که شما در شهر پی ریزی کرده اید تا مردم شهر را از آن بیرون ببرید، پس به زودی خواهید فهمید (بشما نشان میدهم، او در اینجا برای موسی و پیوستگانش خط و نشان سهمگینی می کشد و آنها را میترساند) فرعون در اینجا با به رخ کشیدن یکی از روشهای سیاسی و یا آئین های اداری (قانون) زمان خود، که خود او نیز آئین گذار، پایه گذار و سازنده این آئین نامه آدمیت ستیز بوده است بهره می گیرد و دگر اندیشان خود را از این روش اداری که برای شکنجه و نابودی ناباوران و ناپذیرندگان خود بکار می برده است همگان را می ترساند و آنان را به مرگی دشوار که روش اداری و آئین سرزمین گردانی آن مرد آدمیت ستیز بوده است بیمناک می کند و روش و آئین (قانون) درنده خویانه زیرین فرعون را به رخ آنان می کشد	۱۲۳	قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُتُمْ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
مغزه این سخن تازی این چنین است: من دست و پای همه شما را از پش می برم (از پشت قطع میکنم) و پس از آن به صلیبتان می کشم	۱۲۴	لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ثُمَّ لأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ
<p>صحنه دوم نمایشنامه و یا بخشنامه سیاسی طه (سوره طه)</p> <p>درگیری دوم موسی و فرعون</p> <p>خداوند ویا آنکه با نگرش ژرف به تاریخ خواهیم دانست و همگان آگاه نیز میدانند که او سازنده و و همواره اندرزگوی محمد تازی بود و شامگاهان و پامدادان در کنار محمد تازی به او آموزش سیاسی میداد (سلمان فارسی)، در این بخش از نمایشنامه طه و در پرده میانی این نمایشنامه کمدی هنگام برخورد موسی و فرعون نیز به محمد می آموزد تا رویداد درگیری آنان را به اینگونه دو باره گویی نماید. (این مرد که به راستی خداوند ویا الله و راهنمای بی چون و چرا و سازنده محمد تازی بشمار می رود کسی بجز مایا و یا ناجا و یا روزبه ویا برزویه ویا بود ویا بهبود ویا خشنودان و یا این بخشنودان ویا ابن ماهان که تازیان او را سلمان فارسی نامیده اند نیست)</p>		
و بیافکن (بیانداز) آنچه در دست راست داری، آنچه را که آنها ساخته اند می بلعد و نیرنگ جادوگر برنده و یا رستگار نمی شود از هرکجا که آمده باشد	۶۹	وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْفَهًا مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى
بس جادوگران فروتنانه سر سجده فرود آوردند و گفتند به خدای هارون و موسی ایمان آوردیم	۷۰	فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى
فرعون گفت آیا پیش از اینکه من اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی گمان او همان بزرگ شماسست (موسی) که به شما جادوگری را آموخته من دست و پای همه ی شما را از پشت می برم (قطع می کنم) و پس از آن بر روی تنه درخت خرما به صلیبتان می کشیم تا بدانید که کدام يك از ما شکنجه سخت تری داریم و پایدار(جاودانه)تریم	۷۱	قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ؟ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ آيَاتُنَا شَدِيدًا عَذَابًا وَأَبْقَى
<p>صحنه سوم نمایشنامه ویا بخشنامه سیاسی الشعرا (سوره الشعرا)</p> <p>درگیری سوم موسی و فرعون</p>		

۴۶	فَالْقِيَّ السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ	پس جادوگران سر سجده و تعظیم فرود آوردند
۴۷	قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ	گفتند ما به‌خدای هر دو جهان ایمان آوردیم
۴۸	رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ	خدای موسی و هارون
۴۹	قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آتَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ	فرعون گفت آیا پیش از اینکه من بشما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ (به خدا) بی گمان او (موسی) همان بزرگ شماست که به شما جادوگری را آموخته است. من به زودی دست و پای همه‌ء شما را از پشت می برم (قطع می کنم) و به صلیبتان می کشم
<p>و اکنون صحنه چهارم نمایشنامه و یا بخشنامه سیاسی المانده (سوره المانده) یکی از پسران آدم قربانیش نزد الله پذیرفته می شود و دیگری میخواید از حسادت برادرش را بکشد (هابیل و قابیل پسران آدم) برادر جنایتکار می گوید</p>		
۲۷	وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ	من تورا خواهم کشت و برادر خوب می گوید: قال: گفت: به راستی که خداوند از پرهیزکاران می پذیرد (قربانی و یا نذر را)
۲۸	لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِيَدَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ	اگر دستت را برای کشتن من به سویم به‌گشائی (دراز کنی) من برای کشتن تو به سویت دست نمی کشایم زیرا من از خداوند هستی سازنده بیم دارم
۲۹	إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ	من می خواهم گناه من و گناه تو هردو گردنگیر تو بشوند و از یاران آتش بشوی (در آتش جهنم به‌سوزی) و این است پاداش ستمگران.
۳۰	فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ	پس هوای نفس او را داوطلب کشتن برادرش کرد و او را کشت و از زیاتکاران شد.
۳۱	فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ	پس خداوند کلاغی را فرستاد تا در زمین جستجو کند (در طلب روزی نوکش را به زمین بکوبد) تا به او بنمایاند که چگونه پیکر برادرش را پنهان نماید (به خاک سپرد) او گفت وای بر من که چه ناتوانم من که حتی نمی توانم همانند این کلاغ باشم ، پس پیکر برادرم را پنهان می کنم (در زیر خاک می پوشانم) به اینسان او در زمره پشیمانان در آمد.
۳۲	مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ تَهُمُ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ	از این روی بر بنی اسرائیل رقم زدیم که هرکس ، کسی را بی آنکه کس دیگر را کشته باشد و یا بدخیمی و بدکاری در زمین از او سرزده باشد بکشد مانند این است که همه مردم را کشته است و آنکس که کسی را زنده کند مانند این است که همه مردم را زنده کرده است . بدرستی که پیام آوران ما با دلایل روشن برای بنی اسرائیل آمدند اما سپس از آن بسیاری از ایشان در زمین سرپیچی کردند .
۳۳	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ	به راستی ، پاداش آنان که با خدا و پیام آورش پیکار می کنند. (می جنگند) و در زمین کوشش بد کارانه می نمایند ، این است که کشته شوند و یا به صلیب کشیده شوند یا دستها و پاهایشان (بش) برید شود □ □ □ □ □ زمین □ نیست □ نابود □ گردند □ کیفرها



<p>برای آنان (برای چنین کسان) خواری و پاداشی در این جهان بشمار می آیند و در آن جهان نیز برایشان شکنجه بزرگ تدارک دیده شده است.</p>	<p>وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْنَ مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَالْهُمَّ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ</p>
--	--

اکنون این پرسش در برابر اندیشه خردمندان چشم به راه پاسسخ گویی می نشیند که آیا محمد تازی فرستاده الله بوده است و یا فرعون که پیش از او این آئین آدمیت ستیز را شاید هم اندکی مهرآمیز ترکیار می بسته است ؟

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>

